



خشونت علیه زنان و سیاست قصاص رژیم اسلامی

شهلا نوری

اخیراً دادگاه رژیم اسلامی در تهران خبر قصاص چشمان یک مرد جوان را اعلام کرد. خبر میگوید: "خواستگار جنایتکار در دادگاه کیفری پایتخت به قصاص چشم محکوم شد!"

مجید به خواستگاری آمنه میرود. آمنه

پاسخ منفی میدهد. مجید که نتوانسته دنباله در صفحه بعد



فاطمه را کشتند، جان فرزند در خطر است!

سیاوش دانشپور

فاطمه حقیقت پژوه نامش با درد و رنج تداعی میشود. زنی که زندگی اش جهنمی بیش نبوده است. او قاتل نبود، جانی بدنیا نیامده بود، "غضب الهی و شیطانی" هم در او کشف نشده است!

مقاله از سیاوش دانشپور نقل از نشریه "برای یک دنیای بهتر" صفحه ۳

رشد تن فروشی در میان دختران و زنان متاهل در تهران

صفحه ۲

"عدالت" با قتل فاطمه اجرا شد!

صفحه ۴

قتل‌های ناموسی مشکل جدی استان خوزستان (و سایر استان‌های کشور)

صفحه ۶

شرکت کنند و یا پیام های خود را برای ما ارسال کنند. برای ما از جنایات مذهب بنویسید. داستان های حقیقی که خود شاهد بوده اید را به نگارش در آورید.

زنده باد آزادی زن

آذر ماجدی



چرا سکولاریسم ضروری است؟

در همین چند هفته اخیر چندین خبر اعدام، سنگسار و خود سوزی زنان جوان از دنیای تحت حاکمیت اسلام به جهان مخابره شده است. این واقعیت

زندگی زنان تحت اسلام است. زن ستیزی خشن و وحشیانه ای که حکومت ها و قوانین اسلامی بر سرنوشت مردم، بویژه زنان تحمیل می کنند، هر روزه از آنها قربانی می گیرد. قوانین و سنن مذهبی، بویژه در دنیای امروز، اسلام، تنها زندگی سخت تر و غمناک تری را بر زنان تحمیل نمی کند، تنها حقوق برابر را از آنها سلب نمی کند، تنها محرومیت بیشتر بر آنها تحمیل نمی کند، زنان را از حق حیات برابر نیز محروم می کند. اخبار سنگسار از سومالی، خود سوزی دو دختر جوان، که یکی از آنها فقط سیزده ساله بود، از ایران و خبر اعدام فاطمه حقیقت پژوه تنها چند نمونه از جنایات حکومت های اسلامی علیه زنان است.

حکومت های اسلامی و مذهبی را باید به زیر کشید. تا زمانیکه مذهب بر زندگی جامعه حکم می راند، از برابری زن و مرد سخنی نمی تواند در میان باشد. جنبش اسلام سیاسی در دهه های اخیر به یمن شرایط سیاسی بین المللی و تنش و جنگ دو قطب تروریستی توانسته است نه تنها در خاورمیانه و آفریقای شمالی، بلکه در کشورهای غربی نیز به حقوق زنانی که به حکم قرعه کشی بخت آزمایی در خانواده های اسلامی بدنیا آمده اند، یورش بیاورد. باید علیه این یورش اسلام سیاسی و جریانات مذهبی متحدانه بپا خیزیم.

سازمان آزادی زن به همین منظور کنفرانسی بین المللی برای ۸ مارس ۲۰۰۹ سازمان داده است. تم این کنفرانس بررسی تاثیرات مخرب مذهب بر زندگی و حقوق زنان است. چرا سکولاریسم ضروری است؟ تیترا این کنفرانس است. فعالین حقوق زن و محققین این عرصه از کشورهای مختلف خاورمیانه و اروپا و آمریکا روز ۷ مارس در شهر گوتنبرگ، سوئد گرد هم می آیند تا به این مساله از جوانب مختلف پاسخ دهند. اسلام، کاتولیسیسم، کلیسای ارتدوکس و مذهب یهود زیر ذره بین قرار داده می شود و تاثیر حاکمیت آنها بر زندگی زنان مورد تحلیل قرار می گیرد. این کنفرانس تلاش دیگری است برای سازماندهی یک جنبش بین المللی سکولار برابری طلب. سازمان آزادی زن مدتی است که برای ایجاد چنین جنبشی می کوشد و تاکنون پیشروی های مهمی در این جهت بدست آورده است.

سازمان ابتکار فمینیستی اروپا، شبکه بین المللی علیه جنایات ناموسی، زنان برای صلح (سوئد)، و سازمان سکولاریست سی اف ای از این کنفرانس حمایت کرده اند. از تمام کسانی که امکان شرکت در کنفرانس را دارند دعوت می کنیم که در این کنفرانس

ستم بر زن موقوف!

خشونت علیه زنان و سیاست قصاص رژیم اسلامی

موضوع را برای خود حل کند در یک اقدام جنون آمیز و وحشیانه اقدام به اسید پاشیدن به صورت آمنه می کند. دادگاه او را به پرداخت دیه و قصاص هر دو چشم محکوم کرده است. مجید بجز ابراز پشیمانی حرفی ندارد و اعلام کرده است که پولی هم بابت پرداخت "دیه" ندارد. همچنین در خبرها آمده است که آمنه با خواست اجرای قصاص می خواهد از درجه رنج خود و خانواده اش بکاهد.

واقعیت اما چیست؟

تردیدی نیست که اقدام مجید عمیقاً ضد زن، جنایتکارانه، و تا مغز استخوان مردسالارانه است. او لابی فکر کرده آمنه باید به او تعلق داشته باشد و پاسخ منفی آمنه او را به این روش شنیع کشانده است. درد آمنه و خانواده اش قابل درک است. دنیای او تماماً ویران شده است. معلوم است ادامه زندگی برای او با چه رنجی همراه است.

اما مجید و آمنه هر دو قربانی اند. قربانی سیستم ضد زن و

مردسالار و قوانین ارتجاعی و پوسیده قصاص و چشم در مقابل چشم. همین سیستم مجید را به این راه سوق میدهد و قربانی راهی جز پناه بردن به قوانین همین سیستم برای "حق خواهی" ندارد. سیستمی که بر انتقام و قصاص و خون در مقابل خون و جنایت مسلسل متکی است. دختر جوانی که همه زندگیش دستخوش یک اقدام جنون آمیز و مردسالارانه قرار گرفته، تصمیم میگیرد با خواست قصاص از رنج جانکاه خود بکاهد.

اما اگر جامعه آزاد بود، اگر مردسالاری ریشه کن یا حاشیه ای شده بود، اگر حرمت انسان عموماً و اینجا زن خصوصاً در جامعه ارزش داشت، اقدام نوع مجید یا صورت نمیگرفت و یا استثنای بود. و اگر قوانین کیفری جامعه نه براساس انتقام و قصاص بلکه براساس اصلاح مجرم و تلاش برای جلوگیری از وقوع جرم استوار بود، آمنه هم برای "التیام" خود به چنین قوانینی پناه نمیبورد. در چنین شرایطی انواع حمایت میتوانست از قربانی صورت گیرد و مجرم را زندانی میکردند. خود دولت عامل تکرار جنایت نبود. آمنه و مجید هر دو قربانی اند. قربانی

سیستم ضد زنی که از مرد جنایتکار میسازد و زن را نابود میکند و خود بعنوان "قاضی و دادگاه" جنایتی دیگر را آنهم نه برای اجرای عدالت بلکه برای ارباب جامعه تکرار میکند. انتظار اجرای عدالت از سیستمی که متکی بر بیعدالتی است پوچ است. سه دهه کارنامه اینان روشن است.

این هم نمونه دیگری از جنایت رژیم اسلامی.

حکم سنگسار برای یک زن در شیراز

"سایت روز: شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور حکم سنگسار یک زن شیرازی به نام افسانه را تایید کرد. حکم سنگسار این زن که حکم بدوی او توسط شعبه ۵ دادگاه کیفری استان فارس صادر شده بود، در شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور، طی حکمی به شماره ۵۸۸، تایید شد. شعبه ۵ دادگاه کیفری استان فارس در ۲۱ تاریخ فروردین ۸۷ حکم قصاص و سنگسار افسانه را صادر کرد. در بخشی از این حکم آمده است: با توجه به قرائن موجود در پرونده و اظهارات متهمان، اتهام قتل عمد توسط خانم افسانه را محرز دانسته و حکم به قصاص نفس را صادر و در خصوص انجام زنا محصنه،

دادگاه با اتکا به علم خود حکم به رجم افسانه ر. و ۱۵ سال حبس برای رضا د. به دلیل معاونت در قتل عمد و یکصد ضربه شلاق در خصوص انجام زنا غیر محصنه (به لحاظ متاهل نبودن وی) صادر کرده است."

این رژیم اسلامی است. رژیمی از بدو سرکار آمدنش متکی به جنایت و پایمال کردن حقوق و شخصیت و آزادی و نفس زندگی بوده است. قانون قضائی چنین رژیمی بجز قصاص و دست و پا بریدن و چشم درآوردن و سنگسار و اعدام نیست. این رژیم عصاره جنایت در تمام اعصار است. جنایت شناسنامه این رژیم و ضامن بقای آنست. باید این رژیم جنایتکار را سرنگون کرد و بر خرابه های آن یک دنیای بهتر را بنا کرد. دنیای بدون اعدام، قصاص، فقر، اعتیاد، تن فروشی اجباری و آپارتاید جنسی. دنیایی که دست مذهب از زندگی شهروندان آن کوتاه است و انسان امکان رشد و ارتقاء در جهت دستیابی به بالاترین درجه از شکوفائی را داشته باشد.

شهلا نوری

در آمد کافی برای تامین هزینه زندگی ندارند به همین دلیل هم زنان آنان در مواردی با اطلاع آنان و در مواردی بدون اطلاع آنها اقدام به تن فروشی می کنند. دنباله در صفحه ۴



در گروه زنان تن فروش قرار دارند. در حال حاضر با حضور نسبت قابل توجه دختران مجرد و زنان متاهل در بین زنان تن فروش مواجه هستیم.

یک گروه مردانی که به زنان خود در این مورد همکاری میکنند معتاد هستند و برای تامین هزینه مواد مصرفی شان ابتدا زنان خود را معتاد و سپس آنها را وادار به تن فروشی می کنند. دسته دیگر هم مردانی هستند که

رشد تن فروشی در میان دختران و زنان متاهل در تهران

اجتماعی و فرهنگی نشان داده است.

طبق این تحقیق میانگین مدت تن فروشی در تهران ۵ سال است که با این حساب باید از میانگین سن شروع ۲۱-۲۲ سالگی برای شروع سخن گفت. فراموش نکنیم که پژوهش از میانگین سن شروع صحبت می کند بنابراین گروههایی از دختران سنین پایین تر هم حتماً

چند سطر از یک تحقیق بزرگ

نقل به تلخیص از سایت کانون زنان ایرانی

اخیراً یکی از صاحب نظران و پژوهشگران مسائل اجتماعی ایران با اتمام یک تحقیق گسترده تغییرات گسترده ای را در بین جامعه تن فروشان شهر تهران، چه از نظر جمعیت، چه سن و چه ویژگی های

زنده باد برابری! زنده باد آزادی!



فاطمه را کشتند، جان فرزند در خطر است!

سیاوش دانشور

فاطمه حقیقت پژوه نامش با درد و رنج تداعی میشود. زنی که زندگی اش جهنمی بیش نبوده است. او قاتل نبود، جانی بدنیا نیامده بود، "غضب الهی و شیطانی" هم در او کشف نشده است! او برای لقمه ای نان صیغه مردی شده بود و به تن فروشی شرعی و قانونی اسلامی تن داده بود. او روز سختش را پشت سر گذاشته بود و ساعاتی آرمیده بود که فردای سخت تری را شروع کند. اما نیمه شب صدای زجه و ناله بیدارش میکند. مادران تنها و بچه دار معمولا خوب میشوند و خوب میبینند. آری، صدای دخترک عزیزش است. همسر صیغه ای او، نیمه شب سراغ دختر ۱۴ ساله او رفته و مشغول تجاوز به اوست! کدام مادر، کدام پدر، کدام نیمه انسان، کدام حیوان از دیدن چنین صحنه ای دیوانه نمیشود؟ عکس العمل کدام موجود در چنین شرایطی میتواند "طبیعی" و "خونسرد" باشد؟ فاطمه این مردک کثیف را کشت و عدالت اسلامی بعد از سالها زندان او را کشت. آن مرد متجاوز که دنیای کودکی دختر فاطمه را ویران کرد و آن عدالت کثیفی که جان فاطمه را میگیرد، هر دو از یک جنس اند. هر دو پشت شان بهم

است. هر دو زن ستیز و ضد کودک و ضد بشراند. هر دو از یک آخور میخورند. فاطمه تنها و محروم نقشه قتل نکشیده بود، اما آن مردک با نقشه دنبال آن دختر معصوم بود و سیستم عدالت اسلامی نیز با نقشه و در کمال خونسردی فاطمه را کشت. این حقیقت زندگی تلخ فاطمه است. شاید فاطمه راحت شد. آنها که درد دلهاى او را شنیده اند و در زندان با او دمخور بودند روزی رنجنامه او را بازگو خواهند کرد. فاطمه یکی از هزاران قربانی این نظام و این عدالت منحط است. اما نظام مبتنی بر قتل و تجاوز و جنایت روزمره با قتل او خود را بازتولید کرد تا فاطمه های دیگر و کبری ها را بکشد. امروز ارباب اعدام اسلامی همراه با فاطمه ۹ نفر دیگر را اعدام کرد.

به فرزندان فاطمه و بازماندگان او صمیمانه تسلیت میگوئیم و با آنها در این درد شریکیم. آنها اگر موفق شده باشند آخرین دیدار را با مادر عزیزشان داشته باشند امروز در وضعیت بسیار بغرنجی بسر میبرند. وضعیت دردناک آنها را هر کسی که یک جو شرافت داشته باشد درک میکند. عزیزان جای مادر همیشه خالی است. مطمئن باشید که قلبهای زیادی با شماست. مطمئن باشید که بیشمارند کسانی که از زنجیره قتل و انتقام و خون در مقابل خون متنفر اند. مطمئن باشید!

شایعه اعدام فرزند کمانگر

اخبار از انتقال فرزند کمانگر معلم جوان و محبوب کودکان منطقه کامیاران به انفرادی و خطر اعدام قریب الوقوع او سخن گفتند. فرزند را به اتهام عضویت در پژاک به اعدام محکوم کردند. پژاک جریان سیاسی نیست، چیزی مثل "بلاک واتر" است. دیروز همکار و نان خور رژیم اسلامی علیه ترکیه بود و بعد

و جنایت و جنایت دید و قورت داد و فردا مثل آدمک خنديد و گفت زندگی جریان دارد؟ تف به این عدالت و این نظامی که بدون له کردن دیگران نمیتواند سرپا بماند!

مادر فرزند عزیز نیز حال و روز خوبی ندارد. اما شجاعت او زبانزد همگان است. اولین بار نیست که او این صحنه ها و سناریوها را میبیند و اول بار نیست که از اعضای خانواده او قربانی این جنایتکاران میشوند. این خبر یا شایعه تنها قلب شکسته مادر و بستگان فرزند را فرو نمیریزد، مادر و



بستگان فرهاد حاج میزائی و بیشمار کسانی که در خطر بلعیده شدن توسط ارباب آدمکشی اسلامی اند بشدت نگران میشوند. رژیم اسلامی در چهار گوشه ایران و به بهانه های مختلف موجی از اعدامها را شروع کرده است. باید تلاشمان را گسترش دهیم. باید علیه اعدام و حکومت اعدام بپا خیزیم. باید حکومت اعدام و سرمایه را سرنگون کنیم. باید چوبه های دار و نشان های سبعیت اسلامی را به آتش بکشیم. باید روزی به مردم دنیا اعلام کنیم که طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه و پیشرو، سنت فرتوت آدمکشی و قتل دولتی را منسوخ کردند. برای نجات جان فرزند عزیز و کلیه زندانیان سیاسی بکوشیم.*
نقل از نشریه "برای یک دنیای بهتر" شماره ۷۷

از شکر آب شدن مناسبات رژیم اسلامی و پ ک ک وارد جنگ با رژیم شد. امروز پژاک مجددا تغییر ریل داده و چه بسا فردا شاهد خواهید بود که در صف "رزمندگان اسلام" علیه ترکیه شمشیر میزند. چه بسا روزی دیگر در خدمت کسی دیگر. اینها نه پرنسیپی دارند و نه ریشه اجتماعی و نه اهداف سیاسی قابل دفاعی. اینها توانستند دوره ای تعدادی از جوانان را جذب کنند و رژیم اسلامی هم به همین اتهام مخالفین سیاسی اش را سر به نیست میکند. اتهام وارده به فرزند جانی ثابت نشده است. فعالیت اجتماعی او مغایر این اتهامات است. فرزند کمانگر و امثال او با اتهامات مشابهی در خطر اعدام قرار دارند. امروز وکیل فرزند کمانگر از "عدم صحت" خبر انتقال فرزند صحبت کرده و اینکه خطری وجود ندارد. این خبر جای خوشحالی همه کسانی است که برای نجات جان فرزند و فرزندها تلاش میکنند. اما باید مواظب بود. رژیم اسلامی بخشا جامعه را تست میکند و سپس دست به اقدام میزند. اگر ببیند که اقدامی برایش گران تمام میشود پایش را پس میکشد. خطر واقعی زمانی رفع خواهد شد که حکم فرزند رسماً ملغی و آزاد شود. زندان، شکنجه، ترور و اعدام برای حکومتها دیکتاتور و حافظ سرمایه مثل بجا آوردن نماز و روزه است. بدون اینها این حکومتها آرامش درونی ندارند. این تاریخ اینهاست. آنجا هم که زیر فشار و اعتراض بشریت آزادیخواه اعدام را منسوخ کردند به اشکال دیگری انسانها را به نیستی و نابودی میکشانند. دنیای امروز ما بشدت کثیف و رنج آور است. بعضی اوقات انسان احساس میکند که از این زندگی سیر شده است. چه اندازه باید جنایت

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

اعدام کودکی به نام بهنود، چهارشنبه سحر صورت پذیرد. فاطمه نگون بخت را کشتند و فرزندان را در غمی عمیق نشانند.

ما باید علیه این جنایتکاران بایستیم ولی نباید توهم داشته باشیم. اینها خودشان عقب نمیروند و اعتراض مثبت فلان سازمان هم تاثیر تعیین کننده ندارد. باید فشار جهانی را روی اینها مرتباً گذاشت اما یک چیز روشن است. این رژیم سیاه و نسل کش در ایران را باید هرچه زودتر بزیر کشید. جواب اعدام سرنگونی است. تنها این تلاش نه تنها در ایران بل در کل منطقه روزنه و نوید زندگی آزاد و برابر و شادی را میتواند بروی مردم بگشاید. این کار ماست. کار جنبشی که جمهوری اسلامی و نظام مبتنی بر قتل و جنایت و نابرابری و فقر نمیخواهد. و نه هیچ توهم و فرشته ای از غیب!

آمریکا و مونتلفینش جمع شدند و با حمله به عراق هزاران هزار زندگی و خانه و کارخانه و بیمارستان را ویران کردند، که صدام دیکتاتور جارو شود. دمکراسی در عراق با خون و جنایت حاکم شد! و این دمکراسی تا همین لحظه با فقر و گوله و ترور سرپا است. آنها بعد از پیروزی و با اعدام صدام تنها راه صدام را ادامه دادند اما بدون او. قتل صدام هدفی جز مدفون کردن هزاران پرونده جنایت و نسل کشی نداشت. قتل صدام هدفی جز ایفا آدمکشی دولتی برای دفاع از منافع تازه بقدرت رسیده ها نبود!

امشب نیز فاطمه را کشتند. با تشریفات و اعلام قبلی! در حکومت اسلامی همسایه عراق یعنی ایران. حکومتی که در اعدام انقلابیون و مخالفین سیاسی شهرت جهانی دارد! قرار بود چندین آدمکشی دیگر با تعیین وقت قبلی، از جمله

یک زودتر از بی مادری فرزندان فاطمه آن هم پس از چند سال مشقت و تلاش در فقر غیر قابل وصف خیر میدهند! این انتظار لعنتی را درست شب اعدام صدام حسین رئیس جمهور دیکتاتور عراق تجربه کرده بودم! تلخ و جانکاه! اما شباهت و تفاوت میان ایندو کجاست؟ روشن است که صدام جنایتکاری حرفه ای بود که دستش به خون تعداد زیادی مردم بیگناه آلوده بود! بعنوان مخالف اصولی قتل دولتی نمیخواستم صدام اعدام شود. اما همین نبود. آنها با اعدام صدام هم پرونده های جنایت را مهر و موم میکردند و هم دور جدیدی از قانونیت اعدام را در دمکراسی جدید عراق آغاز میکردند.

داستان فاطمه فرق میکند. فاطمه حقیقت پژوه مادر قربانی ای است که در نهایت ظلم این دنیای سر و ته برای دفاع از جان کودکش مرتکب قتل شده است. به این معنا ایندو غیر قابل مقایسه اند. این کجا و آن کجا؟



"عدالت" با قتل فاطمه اجرا شد!

شراره نوری

اولین بار نیست که خبر اعدام میشویم. اما خبر اعدام فاطمه احساس بسیار بدی در من ایجاد کرد. در سالهای گذشته در هر تلاشی علیه اعدام عکس فاطمه و کبری و دیگران همراه بود. این خبر از غروب قلب من را مانند هزاران قلب دیگر به شدت درهم میفشرد. هر کاری که میشد کرد شده بود و تلاش هنوز در جریان بود. اما انگار امیدی نبود. همین چشم من را به ساینها دوخته بود که کدام

<http://shararehnouri1.blogfa.com/>

لینک آهنگ نه به اعدام توسط بچه های خلاف جریان

<http://video.google.com/videoplay?588889714171067>



خود را حفظ کنند. از همین رو تن به روابط جنسی نا متعارفی می دهند که احتمال ابتلا به بیماری های مقاربتی و ایدز را افزایش می دهد.

نقل از سایت کانون زنان ایرانی

سوی زندگی بهتر باز کنند، اگر چه عده ای تصور کنند که این سراب است و راه به جایی نخواهد برد.

دخترانی هستند که با وجود فعالیت در این حرفه به دلیل رویای ازدواج و ایجاد زندگی متعارف می خواهند بکارت

مثلا همین لایحه خانواده زمینه ساز تن فروشی رسمی و قانونی است.

بخش بزرگی از این زنان برای گریز از نابرابری تن به این کار می دهند. یعنی همان طور که گفتیم از یک سو این گروه زنان از وضع خود ناراضی هستند و از سوی دیگر راههای متعارف و قانونی برای دست یابی به یک زندگی بهتر در برابر آنان وجود ندارد. در واقع چون ساختار اقتصادی- اجتماعی امکان فرصت های برابر را برای زنان و مشارکت آنها در زندگی اجتماعی فراهم نمی کند، آنها ناچار می شوند از هر طریق ممکن راه خودشان را به

رشد تن فروشی در میان دختران و زنان

زنان تن فروش از این روابط نه تنها لذت نمی برند بلکه اغلب از آن تنفر هم دارند. بنابراین انگیزه تن فروشی همیشه اقتصادی است، حال یا برای رهایی از فقر و گرسنگی خود و خانواده یا دست یابی به زندگی بهتر.

بیش از ۹۰ درصد زنان تن فروش در حال حاضر با سواد هستند و ما با زنانی مواجه شدیم که از تحصیلات دانشگاهی نیز برخوردار بودند. ظاهراً سیاست های دولت هم به سمت تسهیل این روند است.

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

ایدز در سرزمینهای اسلام زده و گسترش ویروس اچ آی وی، از سرنگ مشترک به سمت ارتباطات جنسی!



شهلا نوری

اولین نمونه های بیماری ایدز در کشورهای اسلام زده در اواسط دهه ۸۰ دیده شد. بنابراین این بیماری پدیده ای نوظهور نیست.

آنچه واضح است، اینست که بیماری به سرعت در حال گسترش است و با نبود پیشگیری و درمان مناسب، هر روز عده بیشتری مبتلا شده و از بین خواهند رفت.

پافشاری حکومت‌های اسلامی بر عدم وجود روابط جنسی آزاد، تن فروشی و همجنسگرایی، بعنوان « اعمال خلاف دین» باعث شده است که نرخ ابتلا به بیماری ایدز کمتر از واقعیت جلوه داده شود.

این برخورد غیر مسئولانه باعث میشود نه تنها افرادی که در معرض خطر جدی قرار دارند، به بیماری دچار شوند بلکه ویروس اچ.آی.وی. به مردمی که بهیچوجه خود را در معرض خطر احساس نمیکنند، نیز سرایت کند.

با وجود اینکه شیوع اعتیاد به مواد مخدر در ایران با رشد کم نظیری روبرو می باشد و با توجه به این که بیش از شصت درصد موارد ابتلا به ایدز در میان معتادان تزریقی ثبت شده است، زنگ های خطر گسترش ویروس اچ آی وی، از سرنگ مشترک به سمت ارتباطات جنسی به صدا در آمده است!

مطالعات اخیر سازمان ملل بر روی معتادان تزریقی در تهران، نشانگر آن است که بیش از نیمی از آنها با وجود روابط جنسی فراوان هرگز از کاندوم استفاده نکرده بودند.

با در نظر گرفتن اینکه ایران یکی از جوان ترین جمعیت های دنیا را دارد، آموزش جنسی و راههای مقابله با بیماریهای مقاربتی و داشتن رابطه جنسی بدون خطر به دلیل موانع ایدئولوژیکی موجود در رژیم جمهوری اسلامی، به درستی به نوجوانان و جوانان آموزش داده نمی شود. این در صورتیکه است امکان ابتلا به بیماری مذکور در سنین جوانی و به دلیل شر و شور نوجوانی میتواند بیشتر باشد.

به این دلیل روشن که شیوع اعتیاد به مواد مخدر در ایران با رشد کم نظیری روبرو می باشد و معتادان تزریقی که با افراد مختلفی رابطه جنسی دارند، میلیونها نفر در ایران در معرض خطر ابتلا به ویروس HIV قرار دارند.

امر تعدد روابط جنسی بدون کوچکترین آشنایی از عواقب درآوردن آن، خود عاملی تعیین کننده در ابتلا هرچه سریعتر این قربانیان به بیماری ایدز میباشد. پدیده روز افزون فقر و اعتیاد، بر احتمال واداشتن زن به برقراری روابط جنسی در میان معتادان سیر تصاعدی این بیماری را امکان پذیرتر خواهد کرد. زنانی که با قرار گرفتن در مراتب پایین اجتماعی و تصدی مشاغلی که زیردستی آنان را به همراه دارد، همواره در معرض تهدید به از دست دادن شغل در صورت امتناع از ایجاد رابطه جنسی با مافوق خود هستند، همیشه در معرض خطر قرار دارند. فقر، سن شروع و ایجاد رابطه جنسی را پایین می آورد. خانواده های فقیر ممکن است، در نخستین فرصت ممکن، دختران خود را با استدلال "کم کردن نان خور اضافی" در سنین پایین وادار به ازدواج با مردانی کنند که با اختلاف سنی زیاد و تعدد روابط جنسی بیماریزا قبلی، بیماری را به همسران خود که در حقیقت در سنین کودکی بسر می برند منتقل کنند. از طرف دیگر معضل واقعی و قانونی، تحت نام ازدواجهای مکرر یا همزمان، عامل شیوع ویروس اچ آی وی را چند برابر میکند. تأیید اجتماعی و قانونی ایجاد روابط متعدد جنسی برای مردان و واداشتن زنان به تمکین از چنین همسرانی که اغلب دارای بیماریهای آمیزشی متعددی هستند، ابتلا به ویروس ایدز را بالا برده است. از همه اینها درد آورتر احتمال حاملگیهای ناخواسته و بدون آمادگی برای زنان است. پیامدهای این نوع حاملگی بسیار زیانبار است و ممکن است به سقط جنین های غیربهداشتی و مرگ آوری یا بیماریزا و یا تولد فرزندان

بیمار، که کسی نمی خواهد یا نمی تواند مسئولیت پرورش و نگهداری از آنان را بپذیرد، بینجامد. تولد کودکانی که وارد چرخه فقر و مبتلایان به بیماری ایدز می شوند و شیوع بیماری را بصورت تصاعدی بالا می برند.

تأیید اجتماعی و قانونی ایجاد روابط متعدد جنسی برای مردان و فقر و نابرابری اجتماعی به تداوم ناآگاهی و محرومیت زنان فقیر از دسترسی به رسانه ها و منابع اطلاعاتی خود عاملی تعیین کننده می باشد.

آمارهای موجود حاکی از آن است که استفاده از کاندوم در میان جوانان در روابط جنسی شان کمتر معمول است و گفته میشود که مردان جوان برای برقراری روابط جنسی در سطح تهران و برخی از شهرهای بزرگ از آسان ترین راه موجود یعنی ارتباط جنسی با پدیده موسوم به "زن خیابانی و دختر فراری" استفاده میکنند که میزان ابتلا به بیماری را در بین هر دو طرف بیشتر میکند. گذشته از این موارد اطلاعات نادرستی در زمینه انتقال ایدز در میان برخی از جوانان وجود دارد. بطور مثال برخی از جوانان تصور می کنند ایدز تنها از طریق رابطه جنسی معمول قابل انتقال است و رابطه جنسی از طرق دیگر از جمله دهان خوری در بر ندارد و با توجه به حفظ پرده بکارت که رابطه جنسی کامل و معمول را نهدی میکند، اغلب جوانان در ابتدا به رابطه جنسی از طریق دهان روی می آورند که میتواند به همان میزان

دنباله در صفحه بعد

رهائی زن رهائی جامعه است!

ایدز در سرزمینهای اسلام زده ...

در انتقال این ویروس خطرناک باشد. این در حالی است که به غلط گفته میشود که ویروس اچ آی وی از طریق بزاق دهان سرایت نمیکند!؟

اطلاعات مناسب

امروزه سازمان های بین المللی حافظ حقوق انسانی، با توجه به گسترش بیماری ایدز، دو موضوع را به عنوان ضرورت های اساسی برای جامعه زنان و دختران در مقابله با این بیماری ارزیابی کرده اند.

- ۱- پیشگیری از ایدز و ترویج شیوه های آن
- ۲- دسترسی زنان و دختران به اطلاعات مورد نیاز

در این زمینه گفت و گو درباره اهمیت تمایلات جنسی و سلامت و ضرورت پرداختن به آن. عدم قبول تهدید، فشار و خشونت جنسی از سوی شریک جنسی یا افراد دیگر. ضرورت محافظت از خود در برابر ایدز و ابزارها و شیوه هایی که در این زمینه می توانند مفید واقع شوند، از جمله اطلاعات مناسبی است که به پیشگیری این بیماری کمک میکند.

پندارهای غلط اینک:

- ایدز تنها در بین همجنس گرایان رواج دارد اشتباه است!!
- فقط مال سیاهپوستان است اشتباه است!!
- تنها جوانان به آن مبتلا میشوند اشتباه است!!

دانش صحیح

- انسان با هر نوع تمایل جنسی

ممکن است مبتلا شود. - ایدز رنگ پوست نمی شناسد. - ایدز در همه گروه های سنی حتی کودکان، مشاهده میشود.

افراد زیر ممکن است در معرض ابتلا به این بیماری باشند

با شرکای جنسی متعددی رابطه جنسی محافظت نشده دارند.

به یکی از بیماریهای مقاربتی مانند سوزاک یا سیفلیس مبتلا شده اند.

از سرنگ قبلاً مصرف شده دیگران جهت تزریق مواد مخدر استفاده کرده اند.

دارای شریک جنسی با هر یک از سه خصوصیت بالا هستند.

کودکانی که از مادران آلوده به این بیماری متولد می شوند نیز در معرض ابتلا به ایدز هستند.

در حال حاضر به کلیه مادرانی که در معرض خطر هستند توصیه می شود از نظر ایدز در

ابتدای بارداری آزمایش شوند. در صورتیکه مادر دارای اچ.آی.وی مثبت باشد، با استفاده از برخی داروها و نیز با انتخاب روش زایمان و شیردهی مناسب خطر انتقال بیماری به نوزاد از طریق مادر به میزان قابل توجهی کم می شود.

وظایف ما و اعتراض به وضع موجود

جنبشهای اعتراضی باید بتوانند با سازماندهی یک اعتراض اجتماعی وسیع علیه فقر، نابرابری جنسیتی، خشونت علیه زنان و کودکان و رفع تبعیض از افراد مبتلا به بیماری ایدز، بر دولت و نهادهای دولتی، پیش از آنکه تجربه هند و آفریقا بر میلیونها جوان و کودک در ایران تحمیل شود، رژیم اسلامی را وادار به اقدامات مقتضی در این زمینه کنند.

شهلا نوری

و ناامنی ناراحت و عصبانی می شود اما بسیار تعجب آور است که چرا کسی از این نوع قتل ها ناراحت و عصبانی نمی شود و کاری برای آن انجام نمی دهد (برای اینکه قانون از قاتلین به جای مقتولین حمایت می کند).

تا زمانی که عده ای فکر می کنند، می توانند افراد دیگر را بکشند و مجازات نشوند (این مشکل وجود دارد). بنابراین راهکار اصلی حل معضل قتل های ناموسی در استان خوزستان (و سایر استانهای کشور) ارائه راهکارهای فرهنگی در کنار راهکارهای قضایی و حقوقی (یعنی سرنگونی حکومت اسلامی) است.

(داخل پرنتر از نشریه)

خبر از ایسنا و سایتهای مختلف

صورت دستورات کتبی و سازمانی که متأسفانه آمران این نوع قتل ها مورد تعقیب قرار نمی گیرند.

وی همچنین تاکید کرد، وقوع قتل های ناموسی با سایر قتل ها در استان خوزستان (و همه جا) متفاوت است و در آن مقتول متهم به فساد شده و از نظر قاتل (و قوانین ضد انسانی) بی گناه نیست.

رئیس دادگستری استان خوزستان از لزوم مهار خشونت های شدید توسط نظام کیفری و قضایی، انجام کارهای پیشگیرانه و کارهای علمی (!) و فرهنگسازی به صورت آکادمیک در استان خوزستان به عنوان راهکارهای کنترل قتل های ناموسی نام برد. وی گفت، جامعه امروز به راحتی از افزایش میزان سرقت

اظهار کرد، عرف محلی (و قوانین ضد زن جمهوری اسلامی)، این نوع قتل ها را مجاز می داند. به این معنا که کشته شدن زنان در این قتل ها تاثیری (در مردان مسلمان) ایجاد نمی کند و حتی گاهی گفته می شود که حق آنها بوده است. ضمن اینکه این قتل ها بسیار فجیع بوده و برخلاف همه قتل ها، قاتل فراری نیست و به راحتی خود را معرفی می کند و خانواده مقتولان نیز معمولاً خواستار مجازات قاتل نیستند حتی در مواردی قتل را وظیفه قاتل دانسته و برای کاهش مجازات وی (که طبق قوانین جمهوری اسلامی بسیار ناچیز است) تقاضای عفو می کنند.

وی افزود وقوع این قتل ها بنا به دستور بزرگان (مردان) خانواده است البته نه به

قتل های ناموسی مشکل جدی استان خوزستان (و سایر استان های کشور)

رئیس دادگستری استان خوزستان در همایش "خشونت و جنسیت در نهاد خانواده" با بیان اینکه وقوع قتل های ناموسی در استان خوزستان (و سایر استان های کشور) به یک مشکل جدی تبدیل شده است گفت، در استان خوزستان، وقوع قتل های ناموسی به عنوان یک مشکل جدی هنوز مهار نشده است به این دلیل که ریشه های آن (از زمان استقرار حکومت اسلامی) در اجتماع نهادینه شده است.

وی درباره ویژگی های این نوع قتل ها در استان خوزستان (و در سایر استان های کشور)

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!



خانه مدوسا به محل جدید انتقال یافت

تجربیات مشترک، شکستن تابوها و عبور از مرزهای ممنوعه، عاملی برای به واقعیت بدل کردن کنترل زندگی خود است! با فراهم آوردن کمک و ابزار حمایتی می توان اعمال روشهای خشونت آمیز را از زندگی خود دور کرد و کنار گذاشت!

بعد از ظهر پنجشنبه ها از ساعت ۱۷ تا ۲۰ برای ملاقات با شما در لوکال ویکتوریا هوست حضور خواهیم داشت تا به بحث و تبادل نظر بپردازیم. برای اطلاع بیشتر از دیگر فعالیتهای "خانه مدوسا" با ما در لوکال جدید خانه مدوسا ملاقات کنید!

آدرس جدید
Viktoriahuset
Linnégatan 21 B
Gothenburg

مدیر خانه مدوسا شهلا
نوری
تلفن تماس: 0737262622



تجمع روز دانشجو 16 آذر در دانشگاه تهران



خودکشی و خودسوزی زنان خشونت ضد زن، اعتراض مستاصلانه!

تحقیقات کارشناسان و پژوهشگران دانشگاههای مختلف در ایران از گسترش خودکشی و خودسوزی در بین زنان و دختران جوان سخن می گوید. متأسفانه تحت قوانین زن ستیز حاکم بر کشور، اعمال آپارتاید جنسی و شرایط بسیار سخت و خشنی که بر زندگی زنان حکم می راند، زنان و دختران جوان بسیاری که از یافتن راه خلاصی از این شرایط عاجز اند، از روی استیصال و بعضاً بعنوان اعتراض دست به خودکشی می زنند. این یکی از دردناک ترین نتایج حاکمیت یک نظام پشدد زن ستیز، عقب مانده، خشن و سرکوبگر است. اخیراً خبر دردناک خودسوزی دو دختر انتشار یافته است. یکی به نام فتنه ۱۳ ساله در زاهدان و دیگری سونیا ۱۹ ساله که بتازگی ازدواج کرده بود و بدلیل مشکلات خانوادگی صبح روز ۱۴ مهرماه اقدام به خودسوزی کرد. افزایش آمار خود سوزی دختران جوان حاکی از آن است که خودسوزی به یک اپیدمی خطرناک میان زنان بدل شده است.

خودکشی دومین عامل مرگ در ایران است. این مساله بیانگر ناامیدی و استیصال است که جوانان با آن دست و پنجه نرم می کنند. خودکشی بویژه میان زنان جوان آمار بالایی دارد. خشونت جنسی حاکم بر تمام وجوه جامعه این زنان را به استیصال می راند. اکنون خودکشی، آنهم به شیوه دردناک خود سوزی به یک شیوه اعتراض مستاصلانه زنان به زن ستیزی حاکم بدل شده است. اعتراض از طریق خود آزاری در ایران و جوامع مشابه یک سنت است. باید این سنت را ریشه کن کرد. باید راه مبارزه برای تغییر را در مقابل این نسل قرار داد. بجای خود آزاری باید کوشید تا این مناسبات را از طریق یک مبارزه متحد و متشکل تغییر داد.

ما به سهم خود می کوشیم تا این سنت و فرهنگ خود آزاری که در شرق زندگی و مذهب اسلام ریشه دارد را به مصاف طلبیم. عدم تسلیم به شرایط نابرابر و اسارت آور نباید به خود آزاری، خود سوزی یا خود کشی ختم شود. باید به اعتراض و تلاش برای تغییر بدل گردد. ما همه معترضین به این مناسبات زن ستیز و آپارتاید جنسی را به پیوستن به سازمان آزادی زن فرا می خوانیم.

ستم بر زنان موقوف! سرکوب زنان ممنوع! زنده باد آزادی زن!

سازمان آزادی زن
۷ دسامبر ۲۰۰۸

شما هم در پیشبرد کمپینهای سازمان آزادی زن سهیم باشید و پتیشنهای زیر را امضاء کنید!

کمپین برای آزادی فعالین حقوق زن

http://www.petitiononline.com/mod_perl/signed.cgi?maryam20

علیه لایحه ارتجاعی محروم کردن دختران دانشجو از زندگی مستقل بپاییزیم!

<http://www.petitiononline.com/nsin2008/>



تقلیدی از دلارا دارابی

رهائی زن همین امروز!

آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن
 کریم نوری، شبکه مردان علیه خشونت ناموسی- سوئد
 لیلا نافع همارنه، مدیر پروژه در سازمان زنان عرب، اردن
 خاتم لطیف، مدیر مرکز زنان آسودا، سلیمانیه، کردستان عراق
 لیلیان هالس-فرنج، رئیس ابتکار فمینیستی اروپا- فرانسه
 ماریا هاگبری، هماهنگ کننده کمپین بین المللی علیه خشونت
 ناموسی- سوئد
 بوئینا کاتان خوری، فیلم ساز از فلسطین که برای نمایش یکی از
 فیلم هایش به کنفرانس میاید.
 مریم کوشا، گرداننده و مدراتور

از علاقمندان شرکت در کنفرانس خواهشمندیم که با ما تماس
 بگیرند. اطلاعات دقیقتر در آینده از طریق نشریه و وب سایت
 سازمان آزادی زن به اطلاع عموم خواهد رسید.

www.azadizan.net:

Majedi.azar@gmail.com

+44(0)7886973423 آذر ماجدی

wlmehdusahuset@gmail.com

+46(0)737262622 شهلا نوری

www.womensliberation.net/

سازمان آزادی زن

این دیگر خیلی نفرت انگیز است!

سوال: آیا در اسلام کسب لذت جنسی از دختر کمتر از شش ساله
 مجاز است یا نه؟

جواب: اگر عقد بشود و آن دختر اذیت نشود جانز است.

نقل از سایت اطلاع رسانی آیت الله سید محمد صادق روحانی

[http://www.rohani.ir/estefta/ans.php?](http://www.rohani.ir/estefta/ans.php?stfid=5439&subid=&merg=1)

[stfid=5439&subid=&merg=1](http://www.rohani.ir/estefta/ans.php?stfid=5439&subid=&merg=1)



نشریه های گذشته دسترسی پیدا کنید.

برای تماس با اعضاء شورای مرکزی
 سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما
 مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین
 توده های زن و مرد در ایران به
 سازمان آزادی زن بپیوندید تا با هم علیه
 بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام
 گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه
 کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

<http://www.womensliberation.net/english/>



کنفرانس بین المللی ۸ مارس ۲۰۰۹ چرا سکولاریسم اساسی است؟

سازمان آزادی زن روز شنبه ۷ مارس یک کنفرانس یک روزه با
 تم: "نقش مخرب مذهب در زندگی و بر حقوق زنان؛ چرا
 سکولاریسم اساسی است؟" در شهر گوتنبرگ، سوئد سازمان
 میدهد. سخنرانانی که تاکنون شرکت شان تأیید شده است:
 هما ارجمند، هماهنگ کننده کمپین علیه دادگاه های شریعه
 هوگو استرلا، سکولاریست، مسئول بخش اروپای CFI
 سواد بابا آیسا، عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا-
 فرانسه/الجزایر
 جولی بیندل، ژورنالیست و فعال حقوق زن و مبارزه علیه فحشاء-
 انگلستان

مالینه پوسک، فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- دانمارک
 سوسن تامپیه ری، نویسنده، مدافع حقوق زن، آرژانتین
 فرانسس رادای، مدیر انجمن برای آزادی علم، مذهب و فرهنگ،
 استاد دانشگاه اورشلیم، اسرائیل
 بث سیه سیلسکی، فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- رومانی
 نینا سانکاری، معاون سازمان سکولار راسیونالیست، عضو کمیته
 هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی- لهستان
 لیزا سروش، فعال حقوق زن، افغانستان
 کارولین فورس، سازمان اندیشه آزاد، نویسنده و ژورنالیست
 سکولار، مدافع حقوق زن- فرانسه
 پروین کابلی، مسئول سازمان میخک سفید



سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

شما می توانید با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از تمامی
 فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنید.

لینکهای سخنرانیها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل
 دسترسی است.

در ضمن شما می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما
 استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما
 ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی: azarmajedi@yahoo.com

هیئت تحریریه نشریه سازمان آزادی زن: zan.azadi@yahoo.com

آدرس سایت: www.azadizan.net یا www.azadizan.com

زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!